

بدون روتوش



محمدحسن فیاضی

کارشناس مسائل فلسطینی

بازسازی غزه، مهم‌ترین نگرانی آینده غزه

نتانیاهو همواره از نابودی کامل حماس در فردای جنگ سخن می‌گفت، طرحی که حتی برخی در داخل سرزمین‌های اشغالی هم آن را رویاپردازی می‌دانستند اما با اجرای پروژه بزرگ محور نتزاریم، که از سوی فلسطینی‌ها به خط مرگ مشهور شده بود، تحلیلگران بدبین اسرائیلی از هم‌امیدوار نگه می‌داشت‌که پس از آتش‌بس حداقل در شمال شهر غزه معادلات نسبت به پیش از جنگ تغییر خواهد کرد و منطقه حائل‌ی در شمال ایجاد خواهد شد یا حتی می‌توان به خالی از سکنه شدن جبالیا، بیت‌لاهییا و بیت‌حانون امید داشت.

اما اولین بازگشت آوارگان در تاریخ فلسطین به خانه‌هایشان پس از کوچ اجباری و حضور پررنگ نیروهای قسام در شمال، امیدهای تحلیلگران بدبین اسرائیلی را هم ناامید کرد. با خروج اسرائیلی‌ها از محور نتزاریم در مرحله اول آتش‌بس و بازگشت بیش از نیمی از جمعیت آواره شده شمال به شهرهای محل زندگی شان تنها در ۲ روز، رویای صهیونیستی در واگذاری کنترل مدنی و سیاسی نوارغزه یا حداقل بخشی از آن به طرفی غیر از حماس در روزهای اخیر رنگ باخته است. کم‌رنگ شدن این مسأله موجب شده شاهد ناامیدی و انتقادهای فراوانی از تحلیلگران و مسئولین نظامی ارتش اسرائیل باشیم.

اما نباید سناریوی آواره‌سازی اهالی نوارغزه را پایان یافته دانست. به‌رغم این پیروزی برای محور مقاومت، اما مسأله بازسازی هنوز یکی از جدی‌ترین تهدیدات پیش روی حماس و مقاومت است. از برخی اظهارنظرها به نظر می‌رسد همچنان سناریوی فروپاشی اجتماعی در نوارغزه جزو پلن‌های احتمالی صهیونیست‌هاست. تل‌آویو به دنبال ایجاد شرایطی است که حماس به نتایجی مجبور شود مدیریت پس از جنگ و بازسازی را برعهده گیرد. این سناریو به این معنی است که حتی برخی کاررویه‌های دولتی مثل اداره پلیس و راهنمایی و رانندگی، گمرک، دانشگاه‌ها، مدارس، انرژی و... که پیش از ۷ اکتبر توسط تشکیلات خودگردان و کارمندان آن انجام می‌شد، به دوش حماس و اگادار شود و رژیم به منظور تنبیه حماس و فشار بر عدم بازسازی، مانع نقش آفرینی تشکیلات و دیگر بازیگران شود.

این سناریو نقش آفرینی مثبت بازیگران منطقه‌ای و جهانی در بازسازی را هم تحت شعاع قرار خواهد داد و برگشت زندگی عادی به شهرهای نوارغزه با تأخیر جدی روبه‌رو خواهد شد. در این پارال، برخی معتقدند اقدامات حقوقی و سیاسی کابینه نتانیاهو از ماه گذشته در خصوص اخرج آثروا از کل سرزمین‌های اشغالی و نوارغزه در همین سناریو قابل تعریف و تحلیل است.

یکی از موضوعاتی که در آینده نوارغزه و شرایط فردای پس از جنگ باید به آن توجه ویژه‌ای کرد، ۳ مؤلفه مهم نوارغزه شامل مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها و خانه‌هاست. یکی از چالش‌های جدی حماس، تأمین «رضایت زندگی» در غزه پس از جنگ است که آن برگرفته از زندگی و فرهنگ مردم در نوارغزه است.

اهمیت خانه، سربناه و بازسازی نیازهای یک خانه (آب، برق و...) برای همگی مبرهن و واضح است، اما حجم تخریب بالای خانه‌ها از سوی صهیونیست‌ها بلاخض در شهرک‌های شمالی نوارغزه، نگرانی‌هایی حول بازسازی و زمان بازگشت طیف زیادی از جمعیت فلسطینی به زندگی و سربناه ایجاد کرده است.

حدود ۴۳۰ هزار خانه (حدود ۶۰ درصد کل) در نوارغزه نیاز به بازسازی یا ساخت خانه جدید دارد؛ رقمی که در مقایسه با بازسازی‌های جنگ قبل قابل مقایسه نیست، پس بازیگر بازسازی‌خانه‌ها، می‌تواند بخشی از قدرت نامرئی در غزه باشد.

به نظر می‌رسد حماس به دنبال ایده واگذاری بازسازی به دولت وحدت ملی است. در این سناریو بخشی از بازسازی و اداره دولتی نوارغزه به طرف تشکیلات واگذار می‌شود تا جذب مالی هم ممکن شود. حضور حماس و فتح در اجلاس وحدت گروه‌های فلسطینی در چین طی ماه گذشته و تأکید بر نقش چین در بیانیه پایانی را می‌توان بخشی از تلاش‌های حماس برای فردای جنگ دانست. سرعت، چگونگی و بازیگران مؤثر در بازسازی نوارغزه، اهمیتش از توافق آتش‌بس بیشتر نباشد، کمتر نخواهد بود، البته با این تفاوت که دشمن صهیونیستی برای اجرای پلن خود در این مرحله با فشار زمان و تاب‌آوری اعتراضات بیرونی و داخلی مانند دوران طوفان الاقصی روبه‌رو نخواهد بود.

جهان

پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ ● شماره ۸۶۶۶

کلس، Bloomberg



کارشناسان در گفت و گو با «ایران» ابعاد فرمان اجرایی ترامپ در رابطه با تعلیق کمک‌های مالی به مؤسسات ضد ایرانی را بررسی کردند

به نام امریکا، به کام ایران

سیاست خارجی

رضا عدالتی‌پور

خبرنگار

فرمان جدید «دونالد ترامپ»، رئیس جمهوری آمریکا که تمام کمک‌های خارجی آمریکا را به مدت ۹۰ روز تعلیق کرده، اعتراض شمار زیادی از محافل و رسانه‌های ضد ایرانی را برانگیخته است. چه به موجب این اقدام، ده‌ها نهاد و رسانه فارسی‌زبان که در سال‌های اخیر کارکرد اصلی خود را به پشتوانه تأمین مالی این کشور و دیگر کشورهای غربی در ضدیت با جمهوری اسلامی ایران تعریف کرده‌اند، تحت تأثیر این فرمان قرار می‌گیرند. هرچند بسیاری از ناظران معتقدند قضاوت درباره دریافت اهداف این اقدام و احتمال تداوم آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد اما در عین حال این نگاه شکل گرفته که این تصمیم «ترامپ» در یدو شروع به کار در کنار سکوت نماینده این کشور در نشست اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل در اروپا نسبت به ادعاهایی که علیه ایران مطرح شد، نشانه‌های مناداری از این مهم است که دولت جدید ایالات متحده برخلاف ادوار گذشته آغاز متفاوتی را در رابطه با ایران رقم بزند. شماری از کارشناسان در گفت‌وگو با «ایران» این موضوع را مورد توجه قرار دادند.

برداشتن موانع مذاکره در پی فرامین اجرایی

بداله کریهی پور استاد دانشگاه خوارزمی اقبال‌پس پیش‌بینی بودن دستورهای اجرایی از سوی رئیس جمهوری آمریکا صحبت کرد و گفت: در تحلیلی کلان می‌توان گفت استراتژیست‌های کنونی کاخ سفید در پی چند هدف هستند نخست سبک‌سازی بوجه دولت. این سبک‌سازی حدود ۵۸۵درصد فرمان‌های اجرایی ترامپ را مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم آن که استراتژیست‌های کاخ سفید با امعان دیدگاه ترامپ در پی «وان‌سازی» دیپلماسی اقتصادی بوده‌اند. وی افزود: این امر به این معنا است که این اقدامات به نوعی در جهت کارآمدی بیشتر و تنظیم مجدد برای فضای مذاکرات است تا موانع کمتری در مسیر همکاری

پول‌های دولتی اختصاص یافته به برنامه‌های اپوزیسیون ایران نیز متوقف خواهد شد. اپوزیسیون ایران امیدوار بود که روی کار آمدن ترامپ، موقعیت حکومت ایران در شرایط ژئواکونومیک است. کریهی پور تأکید کرد: در این راستا

ارزیابی اکونومیست از راهبرد دولت جدید امریکا در قبال ایران

اسرائیل نتوانست ترامپ را قانع کند

تحلیل

دونالد ترامپ در ۲۳ ژانویه با لحنی بی‌تفاوت، مانند کسی که از غذای خود به گارسون شکایت دارد، گفت: «واقعاً خوب می‌شد اگر می‌شد این مسأله را بدون برداشتن آن قدم بعدی حل کرد.» در واقع، ترامپ درباره برنامه هسته‌ای ایران صحبت می‌کرد. «قدم بعدی» شاید جمله بود و اینکه آیا این مسأله می‌تواند «حل شود» یا نه، شاید بزرگ‌ترین پرسشی باشد که رئیس جمهوری با آن روبه‌رو است. برنامه هسته‌ای ایران از حوزه‌هایی است که این کشور همچنان می‌تواند ادعا کند در آن ابتکار عمل را در دست دارد. اواخر سال گذشته، ایران مره‌ام حدود ۷ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد تولید می‌کرد فاصله‌ای اندک تا سطح مورد نیاز برای سلاح هسته‌ای- که در صورت سازی بیشتر، برای ساخت حدود دو بمب هسته‌ای در سال کافی بود. اکنون ایران در حال نصب سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر است و برخی از آنها را با اورانیومی تغذیه می‌کند که از قبل در سطوح بالاتری غنی شده است. رافائل گروسی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به اکونومیست گفت: «ظرفیت در حال افزایش است، آن هم با ضریبی هفت برابر.» برای این میزان از غنی‌سازی، هیچ کاربرد غیرنظامی معتبری وجود ندارد.

ایران برنامه رسمی هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرد، اما به کار روی فعالیت‌های مرتبط ادامه داد. تور مجس فخری‌زاده، فیزیکدان هسته‌ای، با یک سلاح کنترل شده از طریق ماهواره در سال ۲۰۲۰ موقتاً باعث ایجاد خلأ شد. اکنون هیچ فرد مشخصی فعالیت‌های مرتبط با تسلیحات را هماهنگ نمی‌کند. یک منبع اسرائیلی می‌گوید: «اکنون حداقل پنج یا شش فخری‌زاده وجود دارند و دسترسی به آنها بسیار سخت‌تر است.»

به نظر نمی‌رسد که ایران هیچ سایت مخفی غنی‌سازی

ترامپ در صدد است همه عواملی که ممکن است سد‌هایی در مناسبات و مذاکرات دیپلماتیک با دولت‌های غیرهمسو باشد، حذف کند. در مجموع ترامپ در پی کوچک‌سازی، سبک‌سازی و روان‌سازی دولت خواهد بود. در این مسیر و در راستای این سه؛ اقدامات و فرامین متعددی در راه خواهد بود.

عبرتی برای وابستگان به کشورهای خارجی

حسن بهشتی پور کارشناس مسائل بین‌الملل فرمان اجرایی ترامپ را درس عبرتی برای جریان‌هایی عنوان کرد که وابستگی و تکیه خود را به دولت‌های خارجی داده‌اند و گفت: این اقدام به منظور تجدید ارزیابی و تنظیم مجدد کمک‌های خارجی انجام می‌شود و به این ترتیب، جریان پول‌های دولتی اختصاص یافته به برنامه‌های اپوزیسیون ایران نیز متوقف خواهد شد. اپوزیسیون ایران امیدوار بود که روی کار آمدن ترامپ، موقعیت حکومت ایران در شرایط

ایران

Iran Daily Newspaper

است و جریان‌های وابسته به بیگانگان از جمله منافقین متوجه شدند که دل‌بستن به ترامپ که سال‌ها برای بازگشت او سینه چاک می‌کردند سرابی بیش نبوده است. وی در پایان خاطرنشان کرد: تحولات دهه‌های گذشته این امر را به خوبی به اثبات رسانه‌که جریان ضد انقلاب مجموعه بی‌ریشه و بی‌هویتی است که حیات خود را در دشمنی با ایران و ملت ایران می‌بیند و بارها در مقاطع مختلف اقدامات عملی را علیه جمهوری اسلامی ایران و تمامیت ارضی و منافع مردم برداشته‌اند و صرف نظر از اینکه وابسته به کدام کشور و جریان باشند؛ شکست، سرنوشت قطعی آنها است.

راهبرد امریکا درباره ایران رسماً مشخص نشده

امیر علی ابوالفتح کارشناس مسائل آمریکا با بیان اینکه فرمان اجرایی ترامپ جنبه عمومی دارد گفت: به‌طور کلی فرمان اجرایی ترامپ درباره قطع کمک‌های مالی موضوعی نیست که بخوایم آن را به عنوان یک پالس مستقیم برای ایران درنظر بگیریم. این کمک‌ها طیف گسترده‌ای از کمک‌های مالی به کشورها، نهادها، رسانه‌ها و موضوعات را در سراسر جهان در بر میگیرد که بحث رسانه‌های فارسی‌زبان و نهادهایی که به اصطلاح در زمینه حقوق بشر فعالیت‌می‌کنند بخش محدودی از آن است.

وی افزود: ذکر این نکته از این جهت ضروری است که باید

درک اشتباه از اقدامات دولت آمریکا یا برداشت‌های غبرواقع ببنانه از این اقدامات منجر به تحلیل غلط و در نتیجه انتخاب گزینه‌های نادرست خواهد شد. ابوالفتح تصریح کرد: برجسته شدن این موضوع در ایران به این دلیل است که رسانه‌های فارسی‌زبان ضد ایرانی وابستگی زیادی به این کمک‌ها دارند. لذا قطع این منابع برای آن‌ها وضعیت بدی را رقم خواهد زد که حتی ممکن است به توقف کامل فعالیت آن‌ها منجر شود. چراکه دولت آمریکا در پی ارزیابی این کمک‌ها و میزان تأثیرگذاری فعالیت این نهادها در ارتباط با اهداف آمریکا است و چنانچه تشخیص دهد که آنها کارایی لازم را در راستای راهبرد «اول آمریکا» (First America) ندارند این کمک‌ها به‌طور کامل قطع خواهدشد. کارشناس مسائل آمریکا در پایان خاطرنشان کرد:

در حال حاضر آنچه در اتمسفر فضای رابطه ایران و آمریکا به چشم می‌آید این است که راهبرد و سیاست اجرایی دولت ترامپ در قبال ایران مشخص نشده یا هنوز رسماً منتشر نشده و در این عرصه باید با احتیاط به تحولات و تصمیمات برخورد کرد. در همین فضای غبار آلود می‌توان گفت عدم انتقاد آمریکا از ایران در جریان چهل و هشتمین نشست بررسی دوره‌ای جهانی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو به عنوان اقدامی بی‌سابقه یک سیگنال برای تطبیف فضای تعامل بین طرفین است.



در حالی که جریان

اپوزیسیون امید داشت

مشمول

فرمان قطع کمک‌های

مالی شود،

دستور

ترامپ در

رابطه با رابطه با قطع

کمک‌های

مالی به این

جریان علاوه

بر ناامیدی

اپوزیسیون

نشان از نگاه

محتاطانه

ترامپ نسبت

به ایران دارد

دشواری قرار بگیرد. اما با توقف کمک‌ها، این امیدها عملاً با مشکل مواجه شده است. بهشتی‌پور با اشاره به نقل قول مارک ربویو، وزیر خارجه جدید آمریکا درباره اجرای این فرمان گفت: وزیر خارجه آمریکا عنوان کرده است که هدف از این بازیگری پاسخ به سه سؤال کلیدی است: آیا آمریکا با این کمک‌ها امن‌تر می‌شود؟ آیا قوی‌تر می‌شود؟ و آیا مرفه‌تر می‌شود؟ این سؤالات تعیین‌کننده خواهند بود و آیا کمک‌های آمریکا به متحدانش ادامه خواهد یافت یا خیر. وی خاطرنشان کرد: بحث اصلی این است که آنگاه که قدرت‌های خارجی آینده‌ای جز شکست به همراه نخواهد داشت. چه آنهایی که به دنبال سرنگونی دولت‌ها هستند و چه دولت‌های مستقر که برای مقابله با سایر کشورها به قدرت‌های خارجی وابسته‌اند، هر دو در نهایت متضرر خواهند شد. تاریخ نشان داده است که قدرت‌های خارجی بیشتر به دنبال منافع خود هستند و در مواقع حساس، دولت‌های ضعیف را قربانی می‌کنند.

سینه‌چاک‌های ترامپ در شوک تنهایی

رامین مهرانپرست دیپلمات کنشورمان و سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه این اقدام را متأثر از شخصیت فردی ترامپ عنوان کرد و گفت: ترامپ به رفتارهای محافظه‌کارانه تمایل ندارد و تصمیماتی که می‌گیرد ممکن است عجیب به نظر برسد، اما او شفاف خواسته‌های خود را بیان می‌کند و هیچ ملاحظه‌ای در قبال کشورهای دیگر یا جریان‌های خاص ندارد.

مهرانپرست تصریح کرد: ترامپ سعی دارد تا اثبات کند که اولویت اصلی او منافع امریکاست و تلاش می‌کند نشان دهد که هزینه‌های بی‌موردی که امریکایی‌ها در دولت‌های مختلف پرداخت کرده‌اند باید کاهش یابد یا به‌طور کامل متوقف شود. حتی در رابطه با متحدانش مانند اروپایی‌ها، او خواستار افزایش سهم آنها در بوجه ناتو شده است. سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه افزود: در این حال این اقدام، ناخودآگاه ضربه‌ای به جریان اپوزیسیون ضد انقلاب

که به‌عنوان نماینده ویژه در امور خاورمیانه فعالیت می‌کند به‌عنوان نماینده امور ایران نیز منصوب کند.

ترجیح ترامپ این است که فشار حداکثری را با افزودن تحریم‌های جدید و اجرای سختگیرانه آنها بر ایران از سر بگیرد. اما سؤال اینجاست که با چه هدفی.

رئیس جمهوری باید تصمیم بگیرد که تا چه اندازه می‌خواهد برنامه ایران را محدود کند و آیا می‌خواهد محدودیت‌هایی فراتر از برجام، توافقی که در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد و عمل آن را نابود کرد، اعمال کند یا نه. گروسی اطمینان دارد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند سیستمی برای «نظارت بر» مسیرهای مختلف ایران به سمت یک بمب طراحی کند، هرچند هشدار می‌دهد که این نهاد اکنون «تقریباً در تاریکی کامل» نسبت به تأمین قطعات سانتریفیوژهای ایران قرار دارد.

ترامپ همچنین باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد تنها بر مسائل هسته‌ای تمرکز کند یا موضوعات منطقه‌ای مانند حمایت ایران از گروه‌های مسلح را نیز دربر بگیرد. گروسی که در ماه نوامبر به ایران سفر کرد، می‌گوید در مسعودی سیخ‌بکان، رئیس جمهوری ایران، «تمایل به تعامل سازنده‌تر و جامع‌تر» را دیده است. حتی کسانی که قدرت تصمیم‌گیری واقعی دارند، دلایلی برای توافق دارند. راز زیمت، تحلیلگر مسائل ایران در دانشگاه تل‌آویو می‌گوید: «احتمالاً ایران در حال حاضر مذاکرات را انتخاب خواهد کرد.»

گروسی ادعان می‌کند «ما با یک جدول زمانی بسیار فشرده روبه‌رو هستیم.» طبق برجام، بریتانیا، فرانسه و

آلمان سه عضو غربی باقی‌مانده در این توافق- می‌توانند برای به بازگرداندن تمامی تحریم‌های پیش از سال ۲۰۱۵ علیه ایران بدهند. اقدامی که در دسامبر ۲۰۲۴ تهدید به انجام آن کردند. اگر تا ماه اکتبر (مهرماه ۱۴۰۴) این کار را انجام ندهند، این فرصت را از دست خواهند داد. ایران گفته است که ممکن است در پاسخ از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) خارج شود. در حال حاضر، میان لندن، پاریس و برلین اجماعی وجود ندارد.

همانند ایران، متحدان آمریکا نیز منتظر هستند تا ببینند ترامپ چگونه به مذاکرات نزدیک خواهد شد. رئیس جمهوری آمریکا در ۲۳ ژانویه گفت: «امیدوارم ایران توافق کند و اگر توافق نکنند، آن هم اشکالی ندارد.»

منبع: The Economist